

سی و پنجمین محکومیت ایران در کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون فرعی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در تاریخ ۲ شهریور/۲۴ اوت، برای سی و پنجمین بار طی ۱۵ سال گذشته، جمهوری اسلامی را به سبب نقض مداوم و مستمر حقوق بشر محکوم کرد.

کیهان چاپ لندن، شماره ۵۷۱، ۹ شهریور، می‌نویسد: این کمیسیون با ۱۳ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع، قطعنامه‌ای را در مورد وخیم‌تر شدن وضع حقوق بشر در ایران تصویب کرد. در این قطعنامه افزایش مجازات اعدام و سنگسار، آزار و اذیت اقلیت‌های مذهبی، عملیات تروریستی و کشتن مخالفان، تبعیض در مورد زنان و اعمال شکنجه محکوم شده است. قطعنامه با اشاره به سرکوب خونین اسلام شهر، درباره سرنوشت افراد دستگیر شده در این شورش، اظهار نگرانی کرده است.

محکومیت توسط سازمان عفو بین الملل

سازمان عفو بین الملل در گزارش سالانه خود که در ماه مه ۱۹۹۵/اردیبهشت ۷۴ منتشر شد، بار دیگر، با ذکر پاره‌های موارد، نقض آشکار حقوق بشر در ایران را محکوم کرده است. (این سازمان در همین تاریخ گزارش مستقلاً درباره ادامه نقض حقوق بشر در ایران منتشر کرده بود. ایران، سرکوب، ترور، شماره ۱۷، تیر ۷۴). براساس گزارش سالانه عفو بین الملل، در بخش مربوط به ایران، دستگیری و بازداشت‌های سیاسی، بکارگیری شکنجه، وجود دادگاه‌های غیرعادلانه، قطع اعضای بدن مجرمان، سرکوب اقلیت‌های دینی، کشتار شرکت‌کنندگان در تظاهرات خیابانی، اعدام ایرانیان خارج از کشور و... همچنان از سیاست‌ها و رفتارهای رایج دولت تهران بشمار می‌روند. گزارش ادامه می‌دهد: در فوریه ۱۹۹۵، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تصویب نمود که در آن صریحاً از دولت ایران خواسته شده است که از تهدید جان ایرانیان مقیم خارج از کشور دست بردارد. همین کمیسیون از دولت ایران می‌خواهد که با نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد همکاری‌اش را از سر گیرد و به او اجازه دهد زندان‌های ایران را بازرسی کند. اما دولت ایران، علیرغم درخواست‌های مکرر این کمیسیون، از سال ۹۱ تا بحال از ورود این نماینده به خاک ایران جلوگیری به عمل آورده است.

همچنین، کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها و مبارزه علیه اقدامات تبعیض نژادی، نقض حقوق بشر در ایران، بویژه در زمینه سرکوب و کشتار تظاهرکنندگان را محکوم کرده و از دولت ایران خواسته است که از شرکت در «تروریسم دولتی علیه جان ایرانیان خارج از کشور و همچنین اتباع کشورهای ثالث» دست بردارد.

عرفات: حکومت ایران مشوق تروریسم

در پی عملیات انفجاری در یک اتوبوس شهری، در تل‌آویو ۳۰ مرداد/۲۱ اوت، توسط سازمان حماس که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از اهالی تل‌آویو شد، یاسر عرفات رئیس دولت خودمختار فلسطین، طی سخنانی در دانشگاه غزه، با اشاره به تأثیر بازدارنده عملیات تروریستی در روند مذاکرات صلح، حکومت جمهوری اسلامی را به عنوان مشوق اصلی تروریسم معرفی کرد. او در این سخنرانی خطاب به سردمداران رژیم ایران گفت: «پول، بلب و نفت شما در بازپس گرفتن حتی یک وجب از خاک سرزمینمان کمکی نکرده است.»

کتابفروشی «مرغ آمین» را آتش زدند

تنها کتابفروشی ۲۴ ساعته تهران، کتابفروشی مرغ آمین، سه شنبه ۳۱ مرداد/۲۲ اوت توسط حزب‌الله به آتش کشیده شد. ابراهیم رحیمی خانه‌ای صاحب کتابفروشی و انتشاراتی مرغ آمین در گفتگویی با بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه گفت حدود نیمه شب بود که مطلع شدم کتابفروشی من طعمه حریق شده است. ظاهراً پنج نفر به اسم مأموران اداره اماکن نیمه شب آمده‌اند و فروشنده را با خودشان برده‌اند و دو نفر دیگر مفاز را بوسیله بنزین آتش زده‌اند.

مدیر کتابفروشی درباره انگیزه این عمل گفت: «در واقع علت این کار را نمی‌دانم. من اخیراً سه کتاب چاپ کرده‌ام، یکی آدم اول اثر کامو با ترجمه منوچهر بدیعی، دومی کتابی راجع به ادبیات ترکی آذربایجانی و سرانجام کتاب خدایان دوشنبه‌ها می‌خندند از نویسنده جوانی به نام محمدرضا خوشبین خوش‌نظر. در مورد این کتاب نقدهای غیرعلمی و اهانت‌باری در هفته‌نامه صبح (به مدیریت مهدی نصیری سرپرست سابق کیهان) نوشته شد و روزنامه کیهان نیز آن را نقل کرد. پس از آن تهدیدات علیه من شروع شد. سرانجام نیز چهل پنجاه نسخه‌ای که از کتاب باقی‌مانده بود توسط وزارت ارشاد جمع شد. و بعد هم حریق روی داد.»

بعد از این آتش‌سوزی که انعکاس وسیعی پیدا کرد، از یک طرف، عطاءالله مهاجرانی، معاون رئیس جمهور، در مقاله‌ای در اطلاعات، این اقدام را محکوم کرد و آنرا به «جاهلان» یا «دشمنان»ی نسبت داد که می‌خواهند مسئولیت این کارها را به عهده دولت بگذارند و از طرف دیگر، آیت‌الله احمد جنتی، در نماز جمعه تهران، این آتش‌سوزی را «خشم موجه حزب‌الله» در برابر «تحریکات ضدانقلاب» خواند و تأکید کرد که وصیت امام، حزب‌الله را در اجرای اصول شریعت آزاد گذاشته است و قانون نمی‌تواند آزادی‌هایی را که امام به حزب الله داده است محدود کند.

اخراج دو دیپلمات - تروریست از آلمان

سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه‌ای در ۳ شهریور اعلام کرد که دو تن از کارمندان عالی‌رتبه سفارت ایران در آلمان اخراج شده‌اند. این دو نفر علی اصولی، دبیر سوم سفارت در بون و جلال عباسی، کارمند کنسولگری در فرانکفورت، هستند. دولت آلمان دلیل اخراج این دو تن را نقض «کنوانسیون‌های بین‌المللی دیپلماتیک» ذکر کرد. بنا به نوشته هفته‌نامه کیهان لندن، ۹ شهریور ۷۴، روزنامه نیویورک تایمز در اوایل تیرماه، خبر اخراج این دو دیپلمات را، به نقل از منابع اطلاعاتی آمریکا در آلمان، منتشر کرد.

شایان ذکر است که بعد از انفجار بمب در خیابان شانزله‌یزه پاریس، ۱۷ اوت/۲۶ مرداد، براساس اظهارات شهرد عینی که یک اتومبیل بنز با شماره دیپلماتیک را نزدیک محل انفجار دیده بودند، یک ساعت بعد از انفجار اتومبیلی با همان مشخصات، متعلق به سفارت ایران در فرانسه، توسط پلیس متوقف شد و سرنشینان آن مورد بازرجوی قرار گرفتند که بخاطر داشتن گذرنامه سیاسی آزاد شدند. همانشب سفارت ایران در فرانسه بیانیه‌ای در محکومیت این انفجار صادر کرد، در این بیانیه ذکر شده بود که انتشار شایعاتی در مورد دخالت ایران در این عملیات تروریستی، تجاوز به گسترش روابط بین ایران و فرانسه است.

اخیراً فاش شده است که سرنشینان اتومبیل مزبور، همین دو نفری هستند که از آلمان اخراج شده‌اند. روزنامه آلمانی تاگ اسپیکل به نقل از روزنامه فرانکفورت‌آلگماینه سائیتونگ، روز دوشنبه ۴ سپتامبر/۱۳ شهریور، ضمن انتشار خبر مزبور، نوشت: براساس اطلاعاتی که اداره ضدجاسوسی پلیس فدرال آلمان به دست آورده است این دو تن در رهبری عملیات تروریستی و انفجارهای بمب در فرانسه دست داشته‌اند. و وزارتخارج آلمان به همین دلیل آنها را اخراج کرده است.

اختلاف بر سر قتل سلمان رشدی

ماه گذشته، در حالی که ۱۵ کشور اتحادیه اروپا از دولت ایران می‌خواستند چاره‌ای برای لغو فرمان قتل رشدی بیابند، برخی مقامات دولتی ایران نیز نشان می‌دادند که به انجام این کار بی‌میل نیستند از جمله:

دکتر ولایتی درباره فتوای قتل سلمان رشدی گفت: فتوا یک موضوع و اعزام یک گروه برای کشتن رشدی موضوع دیگری است... دولت ایران گفته و تکرار می‌کند هیچ مأموری را به انگلیس یا جای دیگری اعزام نخواهد کرد تا کسی را به قتل برساند و این موضع ماست. (کیهان، ۲۰ خرداد ۷۴) بقیه در صفحه ۲

بقیه اختلاف بر سر...

سیدحسین موسویان سفیر ایران در آلمان: در محتوای مذاکرات (درباره سلمان رشدی) که اکنون سه سال است بین ایران و ترویکا (آلمان، فرانسه و اسپانیا) به نمایندگی از اتحادیه اروپا ادامه دارد تقریباً به توافق کامل رسیده‌ایم ولی صرفاً از نظر فرم همچنان اختلاف نظر باقی است... تاکنون ایران کسی را برای قتل رشدی اعزام نکرده و نخواهد کرد. (ایران، ۱۰ خرداد ۷۴)

رئیس قوه قضائیه: جریان فتوای قتل سلمان رشدی یک موضع مستقل است و به قوه قضائیه مربوط نیست. (سلام، ۳ خرداد ۷۴) معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه: ما کفایتی السابق مواضع خود را در چارچوب عدم امکان لغو فتوا (قتل سلمان رشدی) و تأکید بر ضرورت رعایت مقررات بین المللی اعلام خواهیم کرد. (همشهری، ۳ تیر ۷۴) محمدجواد لاریجانی مسئول روابط خارجی شورای امنیت ملی، گفت: «فتوای قتل سلمان رشدی ارزش حقوقی ندارد.» و محمدجواد حجتی کرمانی گفت: «حرف اصلی من این بوده است که قتل سلمان رشدی برای دولت جمهوری اسلامی ایران حرام است و حکم یا فتوای امام خمینی (ره) متوجه دولت جمهوری اسلامی و دولتهای اسلامی دیگر نیست.» (اطلاعات، ۷ تیر ۷۴)

بعد از این اظهار نظرها، مجله پاسداز اسلام، ارگان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، که «زیر نظر جمعی از اساتید حوزه علمیه قم» منتشر می‌شود، در شماره ۱۶۴، مرداد ۷۴، در بخشی از سرمقاله خود تحت عنوان «اصول‌گرایی»، ضمن اشاره به موازید که «کسانی به عهد یا به خطا، در قول و فعل» برخلاف «اساسی‌ترین اصول پایه‌ای انقلاب» یعنی «اسلامی بودن» آن رفتار می‌کنند به مسئله سلمان رشدی می‌پردازد و می‌نویسد:

«... با اینکه سازمان کنفرانس اسلامی با مرتد خواندن سلمان رشدی، عملاً به تأیید حکم امام راحل پرداخت، اما برخی خردیهای مرعوب یا بی‌مسئولیت به اشکال گوناگون درصدد کم‌زنگ ساختن آن برآمدند. گاه به جای «حکم»، «فتوا» گفتند تا اجرای آنرا تنها وظیفه مقلدان ایشان بخوانند، و زمانی در حکم یا فتوا تردید کردند و اخیراً مدعی شده‌اند که اجرای آن، بر دولت جمهوری اسلامی حرام است، چرا که مخالف «اوقوابالعقود» و قوانین و مقررات بین‌المللی است؛ و معلوم نیست چرا این حکم مورد اتفاق فریقین را مخصوص آن قوانین بین‌المللی نمی‌دانند. اگر اجرای این حکم بر هر مسلمانی واجب است - و خود امام رحمة‌الله فرموده بودند که اگر جوان بودم شخصاً برای کشتن این مرتد اقدام می‌کردم - چرا دولتهای اسلامی، نه تنها مضاف دانسته می‌شوند که اجرای حکم الهی بر آنها حرام شمرده می‌شود؟»

علی‌اکبر محتشمی، سفیر سابق ایران در سوریه و از پایه‌گذاران حزب‌الله لبنان، روز ۸ مرداد ۳۰ ژوئیه، در سخنرانی به مناسبت تاسوعا و عاشورا گفت که ما بالاخره حکم قتل سلمان رشدی را به مرحله اجرا درخواهیم آورد. روزنامه سلام که این مطلب را درج کرده است از قول محتشمی نوشته است: «روزی خواهد رسید که مسلمانان رشدی را به هلاکت برسانند. ما حکم خمینی را اجرا خواهیم کرد.» نشریه کار (اکثریت)، شماره ۳۱، ۱۱۱ خرداد، می‌نویسد در تهران فتوکپی نامه‌ای دست بدست

می‌گردد که مطابق آن عده‌ای از مقامات بلندپایه سپاه پاسداران خواهان ادامه عملیات «سجیل» نام رمز عملیات ترور سلمان رشدی، شده‌اند. در این نامه «خیلی محرمانه» به امضای قائم‌مقام سپاه، سرتیپ پاسدار محمدباقر قالیباف، و خطاب به فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، تأکید شده است که «عملیات سجیل» لغوشدنی نیست و از وزارت اطلاعات خواسته شده است که کماکان به همکاری خود با «ستاد قدس» ادامه دهد.

برندگان مسابقه

«تنهایی وقت بار رشدی»

روزنامه رسالت در ۱۸ مهر سال ۱۳۷۳ خبر کوتاهی را درج کرد با این مضمون:

«بخش ادب و هنر:

دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، با همکاری دفتر خراسان در نظر دارد مسابقه‌ای در زمینه داستان کوتاه تحت عنوان «تنهایی وقت بار رشدی» برگزار نماید.

به گزارش روابط عمومی حوزه، برگزیده این داستانها در مجموعه‌ای به همین نام منتشر شده و سپس به ۴ زبان زنده دنیا ترجمه و چاپ خواهد شد. برای داستان برگزیده، ده سکه بهار آزادی و لوح تقدیر در نظر گرفته شده و تا نهم جوایز ارزنده دیگری تعلق خواهد گرفت.

سهلت ارسال آثار تا پایان آذرماه سال جاری ذکر شده است.

نتیجه این مسابقه را، روزنامه اطلاعات، ۱۳ تیر ۱۳۷۴ / ۱۳ ژوئیه ۹۵، در ضمیمه فرهنگی و هنری خود، درج می‌کند: «روابط عمومی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای اساسی برگزیدگان مسابقه سراسری داستان‌نویسی «تنهایی وقت بار رشدی» را اعلام کرد. براساس این اطلاعیه خانم مژگان ملکی و آقایان محمد عزیز، گشتاسب قروان، سیدجمال حیدری، علی نجفی، جواد جزینی، محمد رضا جعفری و همچنین خانمها سمیرا اصلانپور و افسانه شعیان‌نژاد و نیز آقای حمیدرضا فردوسی به ترتیب رتبه‌های اول تا دهم این مسابقه را کسب کردند.

جوایز برندگان این مسابقه که از سوی دفتر ادبیات و هنر حوزه هنری برگزار شد از ده تا یک سکه بهار آزادی است که به ترتیب برگزیدگان طی مراسمی اهدا خواهد شد.

حوزه هنری مسابقه داستان‌نویسی تنهایی وقت بار رشدی را از ۲۵ بهمن سال گذشته هزمان با ششمین سالگرد صدور فتوای تاریخی اعدام سلمان رشدی که از سوی امام خمینی (ره) صادر شد، برگزار کرد.»

عین همین خبر را روزنامه رسالت در دوازدهم تیر ۷۴، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی نقل کرده است.

کتاب «خیانت آیت الله‌ها»

به گزارش بخش فارسی رادیو اسرائیل در روز ۴ ژوئیه، آقای ایوبونه، رئیس سابق اداره ضداطلاعات فرانسه و نماینده کنونی مجلس فرانسه، بمناسبت انتشار کتاب خود بنام «خیانت آیت‌الله‌ها» در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد. در این کتاب دلایل و مدارکی مبنی بر دخالت دولت ایران در تروریسم بین‌المللی و اعمال تروریسم دولتی ارائه شده است.

مقایسه با «حکومت یزید»

روز تاسوعا، ۱۸ خرداد / ۸ ژوئن، یک روحانی به نام اکبر بروجرودی در مسجدی در خیابان منیریه تهران به منبر می‌رود و بعد از شرحی درباره تاسوعا و عاشورا، رژیم ایران را با حکومت یزید مقایسه می‌کند و می‌گوید: «...قاتل حسین شمر و یزید و شریح قاضی آن زمان نبودند. همه آنها که در دنیا طلبی، حقوق انسانها را پایمال می‌کنند، قاتلان او بوده‌اند و هستند... امروز امام حسین نیست ولی خط فکری‌اش هست. امروز یزید نیست ولی خط فکری‌اش هست... طاغوت رفت و نظام طاغوتی ماند...» این شخص بعد از منبر، دستگیر شد. (انقلاب اسلامی در هجرت، شماره ۳۶۳، ۲۶ تیر تا ۸ مرداد ۷۴)

بقیه جمهوری اسلامی برکرمی...

شاهد گفت اولین بار بود که از طرف پلیس بازجویی می‌شدم. من نمی‌خواستم خودم را در این ماجرا درگیر کنم. راجع به تلفن هم، بعداً با زلم صحبت کردم و او به یادم انداخت. در جلسه بعدی، جمعه ۲۵ ژوئن / ۴ تیر، غلامرضا رحمتی علیخانی، به تقاضای وکیل دارابی، به جایگاه شهود آمد تا بگوید دیده است که، پس از واقعه میکونوس، دارابی کلید خانه‌ای را، که متهمین دوشب قبل از جنایت در آن به سر برده‌اند، به تاجری که از ایران آمده بود داده است.

شاهد ابتدا گفت دارابی را ۱۴-۱۳ سال است می‌شناسد، او اضافه کرد که محمد اشتیاقی و برنجیان و چند نفر دیگر را هم، که در این دادگاه نامشان به میان آمده است می‌شناسد، ولی در مقابل سئوالات دادگاه گفت نه خانه را می‌شناسد و نه کسی را دیده است که کلیدی به دیگری بدهد. او گفت: در سال ۹۲، در جلسه‌ای در مسجد برلین شرکت کردم. این جلسه بعد از واقعه میکونوس و در یک روز جمعه بود. بعد از جلسه بهرام برنجیان و یکتنفر که او را نمی‌شناختم و قیافه‌اش هم یادم نیست با هم صحبت کردند، راجع به چه، نمی‌دانم.

بعد از همه این انکارها، وکیل دارابی از رئیس خواست عکسی را که دارابی و دو نفر دیگر در آن هستند به شاهد نشان بدهند. شاهد گفت: فکر می‌کنم نفر وسط همان کسی است که با دارابی و برنجیان در مسجد صحبت می‌کرده است، حداقل عینکش شبیه عینک اوست. نمی‌دانم بعد از جلسه در مسجد یا بعد از آن، برنجیان به او گفت این شخص به برلین آمده و دنبال جایی برای خواب است.

رئیس دادگاه گفت چطور تابحال هیچ چیز را به یاد نداشتید؟ شاهد پاسخ داد: عکس را که دیدم همه چیز یادم آمد.

• کار دادگاه همچنان ادامه دارد.

نشانی کمیته:

(C. I. C. R. E. T. E.)

42, rue MONGE

75005 PARIS - FRANCE

FAX 43 44 14 52

شماره حساب پستی برای کمکهای مالی:

C. C. P.

3943263 W

LA SOURCE

FRANCE

نشریه انسان و آزادی ارگان جامعه حقوق بشر فرانسه، در شماره ۸۵ خود، ژوئن، ژوئیه، اوت ۹۵، مقاله‌ای را به موضوع سانسور و مقاومت روشنفکران و اهل قلم در ایران اختصاص داده است. در این مقاله به فشارها و دسائس رژیم اسلامی برای مقابله با اقدامهای فردی و جمعی روشنفکران و نویسندگان ایرانی اشاره شده و سرگ سیمیدی سیرجانی را نمونه‌ای از این فشارها ارزیابی می‌کند. این مقاله ضمن اشاره به اقدام شجاعانه ۱۳۴ نویسنده ایرانی در اعتراض به سانسور، دفاع از حقوق و اهداف عمومی اهل قلم در ایران را راه مؤثری برای مقابله با واقعیت سانسور در ایران و به رسمیت شناساندن آزادیهای اساسی می‌خواند.

کمیته موقت زنان برای مبارزه با سنگسار

به دنبال صدور حکم سنگسار دو زن در ایلام، (ایران، سرکوب، ترور، شماره ۱۷، تیر ۷۴)، کمیته موقت زنان ایرانی برای مبارزه علیه مجازات سنگسار در پاریس تشکیل شد. این کمیته در اولین اعلامیه خود، ۲۵ ژوئیه ۹۵/۳ تیر ۷۴، به مواردی از سنگسار زنان در ایران اشاره می‌کند و می‌نویسد: «مبارزه ما تا لغو این قانون ضدانسانی ادامه خواهد داشت. و در این راستا خواستار آنیم که تقاضای لغو قانون سنگسار در متن پلاتفرم مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن، که در ماههای اوت و سپتامبر برگزار می‌شود، گنجانده شود.»

نامه دیگری از عباس امیرانتظام

خانم رنات اشیمیت رهبر فراکسیون حزب سوسیال دموکرات آلمان در تاریخ ۱۵ فوریه ۹۵/۲۶ بهمن ۷۳، با ارسال نامه‌ای برای عباس امیرانتظام ضمن برشمردن اقدامات حزب و فراکسیون خود در فراهم آوردن امکان فشار به دولت ایران در جهت انجام محاکمه او، پشتیبانی خود را از مقاومت این زندانی سیاسی در برابر شرایط وحشتناک اسارت و شکنجه‌های جسمی و روحی که بر او اعمال می‌شود، اعلام داشته است. عباس امیرانتظام نیز در پاسخ تشکرآمیزی که برای نماینده مذکور ارسال داشته است مجدداً بر خواست اصولی خود مبنی بر محاکمه علنی با حضور وکلای مدافع و ناظران بین‌المللی تأکید ورزیده است. او در این نامه می‌نویسد:

«کپی نامه سرکار را که در تاریخ ۱۵ فوریه تحت شماره dp-KA Durchwahl; 2266 خطاب به اینجانب نوشته شده بود، در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۴ (۱۵ می ۱۹۹۵) بطور غیرمستقیم دریافت کردم. همانطور که استحضار دارید در ۱۶ سال گذشته ممنوع‌الکتابه بوده و هنوز هم هستم و به همین دلیل نامه شما که به آدرس زندان اوین ارسال شده بود به من داده نشد و کپی آن از طریق سفارت شما در تهران و بطور غیرمستقیم در اختیارم قرار گرفت.

آنچه تا بحال از نقض حقوق بشر در ایران در مدت ۱۶ سال گذشته توسط این رژیم ناشروع و غیرقانونی که با سرنیزه و گلوله بر ملت ما حکومت کرده، شنیده، خوانده و آگاه شده‌اید،

قطره‌ای است در مقابل دریای اعمال ضدبشری آنها. اینجانب یکی از میلیونها قربانی خود پرستی، قانون‌شکنی و توحش اداره‌کنندگان این رژیم هستم که آنها جرأت محاکمه مرا ندارند و برخلاف قوانین در مدت ۱۶ سال، با تجدید محاکمه علنی‌ام موافقت نکرده‌اند. چون می‌دانند من مرگ را به هیچ گرفته‌ام و تا زنده هستم از حقوق پایمال شده هموطنانم و خودم دفاع و کلیه اعمال ناقض حقوق بشری آنها را با سند و دلیل در محکمه طرح خواهم کرد و از آن پس این رژیم (در صورتی که مدافعات من به اطلاع هموطنانم و مردم آزاده جهان برسد) قادر به تداوم حکومت استبدادی و توتالیتر خود نخواهند بود.

سرکار خانم اشیمیت به خوبی آگاه هستید که در مدت ۱۶ سال گذشته نه تنها کشور ایران ویران و میلیونها زن و مرد آن در جنبه جنگی که مسئولان نظام جمهوری با اعمال دور از منطق و سیاست خود باعث ایجاد آن بودند، از بین رفتند، صدها هزار زن بی‌شوهر و کودک بی‌پدر و سرپرست به دست سرنوشت نامعلوم خود سپرده شدند که عده‌ای از آنها برای تداوم حیاتشان به فحشاء و اعمال خلاف اخلاق متوسل شدند و جامعه را به فساد کشاندند.

دهها هزار زن و مرد ایرانی صاحب‌نظر و آگاه از سائیل جهانی به خاطر ابراز عقایدشان به جوخه‌های اعدام سپرده شدند و یا به دلیل جو اختناق جلای وطن کرده و یا ساکت شده قادر به اظهار نظر نبوده و نیستند. دهها هزار زن و مرد آزاده ایرانی در زندانها همه چیز خود را از دست دادند و امروزه ایران و ملت متمدن و با فرهنگ چندین هزار ساله آن به صورت مردمی وحشی به دنیا معرفی شده است و میلیونها آوازه و پناهنده آن روزهای سخت و تحقیرآمیز حیات خود را در کشورهای دیگر جهان با رنج به سر می‌برند.

این رژیم خودکامه تا زمانی که کشورهای دموکرات جهان به کمک ملت ستمدیده ما نیایند و از حقوق ما دفاع نکنند همچنان به اعمال ناقض حقوق بشر خود ادامه خواهند داد. وضع امنیتی - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی - اخلاقی... ما روز به روز بدتر خواهد شد.»

حمله به خانه آیت‌الله روحانی

خانه آیت‌الله سیدصادق روحانی از مدرسین «حوزه علمیه شاه‌آبادی» در قم، مورد حمله چماقداران و افراد مسلح قرار گرفت. مهاجمان مقداری از کتب و اسناد و مدارک موجود را با خود بردند. جواد طباطبایی فرزند آیت‌الله روحانی نیز بازداشت شد. آیت‌الله روحانی مدت ده سال است در منزل خود تحت نظر قرار دارد. روز پنجم تیر/۲۶ ژوئن، آیت‌الله روحانی علیه هاشمی رفسنجانی و رئیس صدا و سیما ایران و یک «آشیخ» دیگر، بدون اینکه نام او را ذکر کند، اعلام جرم کرده است. این اعلام جرم به دنبال پخش یک برنامه تلویزیونی که در آن از محدود کردن شیوه‌های عزاداری ماه محرم دفاع شده بود، صورت گرفت. او ممنوع کردن شیوه‌هایی از عزاداری مثل قمه زدن را دخالت در احساسات مذهبی مردم و سنتهای دیرینه شیعیان می‌داند. گروهی از طلاب حوزه علمیه شاه‌آبادی در اعتراض به حمله به خانه آیت‌الله روحانی، شبانه‌ای منتشر کرده‌اند. گروهی از طرفداران آیت‌الله روحانی بازداشت شده‌اند.

تحویل پناهندگان ایرانی

بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه روز ۱۳ تیر اعلام کرد: پلیس ترکیه به دنبال قرارداد امنیت مرزی و تبادل پناهندگان با ایران، ۱۴ تن ایرانی مقیم ترکیه را که در انتظار پاسخ تقاضای پناهندگی خود به کشورهای اروپایی بودند، به پلیس ایران تحویل داد. یکی از آنها خانمی است که در ایران ۳ بار زندانی شده بوده و دختر ۲ساله خود را در زندان به دنیا آورده است.

حمله به «پیام دانشجوی بسیجی»

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هفته‌نامه پیام دانشجوی را «مغایر با قانون مطبوعات» دانست و آن را تعطیل کرد. این نشریه اخیراً تحت فشار برخی از مقامات رژیم مجبور شده بود پسوند «بسیجی» را از نام خود حذف کند.

پیش از این، در ۲۰ خرداد ۷۴/۱۰ ژوئن، دفتر نشریه «پیام دانشجوی بسیجی»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویی، مورد حمله قرار گرفته بود. در این حمله حدود ۲۰ نفر شرکت داشتند. آنها اعضای تحریریه و کارکنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و تهدیدشان کردند که اگر دست از مخالفت با مقامات جمهوری اسلامی برندارند، از بین خواهند رفت. بعد وسایل چاپ، و آرشيو را منهدم کردند و چکها موجودی نقد محله را به غارت بردند. نشریه «پیام دانشجو» از اختلاس ۱۲ میلیاردتومانی، پرده برداشت و آخرین خبری که قبل از تهاجم، چاپ کرده بود افشای فرار سرتیپ پاسدار شفق، مسئول خرید نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، با شش میلیون دلار، به آمریکا بود.

روزنامه سلام هنگام درج این خبر، به نقل از «یک منبع خبری»، نوشت: «مهاجمان گفته‌اند مملکت قانون ندارد و ما خودمان قانون هستیم.» بنابر خبرکیهان لندن، نهم شهریور ۷۴، این نشریه از این پس تحت نام «پیام دانشجو در تبعید» در بلژیک منتشر می‌شود. در ماههای گذشته، روزنامه جهان اسلام و مجله تکاپو نیز به دستور وزارت ارشاد اسلامی تعطیل شد. هادی خانهای، صاحب امتیاز و مدیر روزنامه جهان اسلام، از وزارت ارشاد به دادگستری شکایت کرده است.

حمله به مراسم بزرگداشت دکترسنجایی

دکترکریم سنجایی از رهبران جبهه ملی ایران، روز ۱۳ تیر/۷۴ در آمریکا درگذشت. اطلاعیه دعوت به مراسم بزرگداشت دکتر سنجایی با اعضای بیش از ۵۰۰ تن از آزادیخواهان و شخصیتهای سیاسی در روزنامه‌ها درج شد. مراسم در روز ۱۹ خرداد در خانقاه صفی‌علیشاه تهران برگزار شد و هنگامی که دکتر سعید فاطمی متن سخنرانی دکتر سنجایی در دادگاه لاهه در مورد ملی شدن صنعت نفت را می‌خواند، مورد حمله چماقداران حزب‌اللهی قرار گرفت. حزب‌الله در هجوم خود گلها را پرپر کرد، برق را قطع کرد و به عریضه‌کشی پرداخت با اینحال موفق به برهم زدن مجلس نشد و جمعیت حاضر با فریادهای درود بر مصدق، درود بر سنجایی در مقابل آنها ایستاد.

آزادی مشروط دو متهم

روز ۱۷ اوت/۱۶ مرداد داستان دادگاه میکونوس، مسئله آزادی مشروط دو متهم محمد عتریس و عطاءالله ایاد را مطرح کرد. طبق قوانین دادگاهی آلمان، طی پروسه دادگاه، و بنا به دلایل جرم هر متهم، می‌توان حداکثر مجازاتی را که دادستان برای هر متهم تقاضا می‌کند، پیش‌بینی کرد و طبق همین قانون، هیچ متهمی را نمی‌توان بیش از دوسوم مدت حداکثر مجازاتی که برایش پیش‌بینی می‌شود در زندان موقت نگهداشت. و اکنون که سه سال از دستگیری متهمین این دادگاه می‌گذرد، عتریس و ایاد، متهمین درجه دو، شامل این قانون می‌شوند.

این مسئله در روز ۲۸ اوت/۶ شهریور، در دادگاه مورد شور، هیئت قضات قرار گرفت و پس از موافقت آنها، تصمیم دادگاه به این دو متهم ابلاغ شد. دادستان اضافه کرد که این آزادی متناقض با قانون و کیفرخواست دادستان نیست، این دو از نظر ما همچنان مجرم شناخته می‌شوند و در جلسات دادگاه حاضر خواهند شد. هیئت قضات تصمیم خود را با این شرایط به این دو متهم ابلاغ کرد:

- گذرنامه‌هایشان از آنها گرفته می‌شود،

- اجازه خروج از برلین را ندارند،

- هر روز باید خود را به پلیس محله‌شان معرفی کنند،

- هر پنجشنبه و جمعه باید در دادگاه، در جایگاه متهمین، حاضر باشند.

چنانچه هریک از این شروط انجام نیابد، دادگاه بشدت با متهمین برخورد خواهد کرد. اگر در دادگاه حضور نیابند به عنوان یک عمل خرابکارانه ارزیابی می‌شود و کلیه امکانات تسهیلاتی از آنها پس گرفته می‌شود.

- عطاءالله ایاد لبنانی پنجاه ساله، در دوران نوجوانی عضو سازمان آزادیبخش فلسطین بوده و در سال ۷۹ به سازمان امل می‌پیوندد. او سه سال آموزش نظامی دیده و از فرماندهان نظامی نبرد با اسرائیل است. او که همسر و سه فرزند دارد در سال ۹۰ به آلمان می‌آید و تقاضای پناهندگی می‌کند. ایاد خویشاوند همسر دارابی و عدنان ایاد، شریک دارابی، است. ایاد طراح نقشه ترور است و ابتدا قرار بود مستقیماً در عملیات شرکت داشته باشد اما بعد دارابی او را کنار می‌گذارد و او به اتفاق عتریس مسئول تهیه تدارکات فرار و اوراق جعلی می‌شود.

- محمد عتریس، هم لبنانی و سی و پنج‌ساله است. در آوریل ۸۹ همراه با خانواده‌اش از آلمان تقاضای پناهندگی می‌کند. او هم در ابتدا قرار بوده راننده اتومبیل فرار در ترور میکونوس باشد اما به دستور دارابی جای خود را به حیدر (فراری) می‌دهد و همراه ایاد به تهیه مدارک جعلی می‌پردازد. او گذرنامه برادرش را می‌دزدد و به یوسف امین می‌دهد. محمد عتریس در آلمان دارای دو سه پرونده کلاهبرداری، حمل غیرمجاز اسلحه و سرقت است.

نیست خودداری کند. از طرف دیگر، وکلای کاظم دارابی تقاضای دعوت پنج شاهد جدید را، از ایران، به دادگاه دادند: فلاحیان، برنجیان، امانی فرهانی، ثابت گیلانی و نورآرا.

در همین جلسه وکیل دارابی از رئیس دادگاه پرسید چرا نامه‌ای که سفارت ایران در بن در تاریخ ۱۷ آوریل ۹۵ برای دادگاه فرستاده، مطرح نشده است. رئیس دادگاه گفت نام برای دادگاه و به نام رئیس هیئت اجرایی دادگاههای برلین بوده است نه برای من. یک کپی از این نامه را برای من فرستادند که در پرونده بگذارم. یک نسخه هم برای دولت آلمان فرستاده‌اند.

در پایان این جلسه اعلام شد که دادگاه تا آخر ماه ژوئیه تعطیل است.

پنجاههزار مارک برای پس گرفتن شهادت دوشنبه ۱۷ اوت/۱۶ مرداد، اولین جلسه دادگاه بعد از تعطیلات تابستانی تشکیل شد. در این جلسه یک شاهد لبنانی، تبعه آلمان، شهادت داد. و در پایان، رئیس دادگاه از دادستان خواست نظر خود را درباره آزادی مشروط دو متهم ایاد و عتریس اعلام کنند.

پنجشنبه ۱۷ اوت، محمد جراده برای چندمین بار در جایگاه شهود حاضر شد. او در دفاعات قبل گفته بود حاضر نیست حرفهایی را که به پلیس زده است در دادگاه تکرار کند چون تهدید شده است. ولی درضمن منکر درست بودن حرفهای خود نشد.

شاهد گفت: من فقط حرفهایی را که از زبان ایاد شنیده‌ام به پلیس گفتم و به هیچوجه نخواستم به حزبالله، امل و خانواده ایاد خیانت کنم. من از پلیس آلمان پول نگرفته‌ام و زندگی‌ام از طریق کارم می‌گذرد. از طریق خانواده ایاد به طریقی به من پیام داده‌اند که اگر حرفهایی را که زده‌ام پس بگیرم، پنجاه هزار مارک به من خواهند داد. این پیشنهاد از طرف مسئول امل به من شده و من می‌دانم که پشت این پیشنهاد افراد دیگری قرار دارند، نه خانواده ایاد که پنج مارک هم ندارند.

شاهد در ابتدا حاضر نبود منبع پیام را ذکر کند ولی سرانجام گفت که این پیامها بوسیله یک نامه و یک نوار به شوهرخواهرش رسیده است.

دادستان از داگاه تقاضا کرد حکمی برای بازرسی خانه شوهرخواهر محمدجراده صادر کند. این خانه همان‌روز مورد بازرسی قرار گرفت و از ساکنان آن بازجویی به عمل آمد.

روز ۲۴ ژوئن، علی عربی بولاغی به جایگاه شهود آمد. او به دعوت وکیل دارابی آمده بود تا بگوید که روز ۱۳ سپتامبر دارابی و خانواده‌اش را در مسجد هامبورگ دیده و ثقیفی آنها را به خانه‌اش در اولدنبورگ دعوت کرده است. او هم همین حرفها را گفت و اضافه کرد که وقتی می‌خواست است به برلین برگردد با دارابی و خانواده‌اش همراه شده است، در اتومبیل خوابیده است و نزدیک برلین بیدار شده و از تلفن ماشین دارابی به خانه‌اش تلفن کرده است.

از او سؤال شد چرا در بازجویی پلیس، چندماه بعد از این مسافرت، وقتی پلیس گفت که در ساعت ۲۳ و ۵۰ دقیقه روز ۱۹ سپتامبر ۹۲ از ماشین دارابی به خانه او تلفن شده است، گفت که هیچ چیز را به یاد نمی‌آورد ولی حالا بعد از سه سال همه چیز را به یاد دارد؟

بقیه در صفحه ۲

ادامه جلسات محاکمه متهمان به قتل صادق شرفکنندی، فتح عبدلی، همایون اردلان و حسین نوری دهکردی، در روز ۲۲ ژوئن/اول تیر، با شهادت محمدجواد دبیران، سخنگوی شورای ملی مقاومت در آلمان شروع شد. او برای بار دوم در جایگاه شهود حاضر می‌شد. شاهد در پاسخ اینکه اطلاعاتی را که قبلاً به دادستانی آلمان داده است از کجا به دست آورده است، گفت: به دلیل موقعیت خودمان نوار مرزی را زیرنظر داریم. ۱۶ ساعت پیش از ترور میکونوس، اطلاع یافتیم که جلسه شورای امنیت استان (کردستان) تشکیل شده و فرمان آماده‌باش کامل به نیروهای مسلح داده شده است. ابتدا نتوانستیم بفهمیم چه اقدامی در دست تدارک است ولی بنا به تجربیات قبلی می‌دانستیم که اتفاقی خواهد افتاد و بعد ترور میکونوس صورت گرفت. این خبر از طریق عراق به پاریس و از آنجا به من داده شد.

نکته مهم دیگر در حرفهای این شاهد آن بود که گفت: در ایران، برای نمایندگان مجلس نشریه‌ای منتشر می‌شود که هر نماینده با دادن امضا آنرا می‌گیرد و بعد از مطالعه پس می‌دهد تا اطلاعات مندرج در آن به بیرون درز نکند. ما توانستیم از یک شماره آن که کمی پس از ترور میکونوس منتشر شد و در آن اشاره شده بود به اینکه «توانستیم ضربه‌ای به گروهک دموکرات بزیم» را رونویسی کرده و از ایران خارج کنیم. روز بعد، حسن ایاد به جایگاه شهود آمد.

این شاهد هفته گذشته آمده بود ولی به خاطر کمبود وقت، شهادت او را به این جلسه موکول کردند. او خواهرزن کاظم دارابی است و رئیس دادگاه گفت به دلیل نسبت فامیلی با متهم می‌تواند از شهادت خودداری کند.

جالب این که او، هفته قبل، پس از خروج از دادگاه دستگیر شد. چرا که به خاطر جرم دیگری تحت تعقیب بوده است و مأموران پلیس وقتی متوجه می‌شوند برای شهادت به دادگاه احضار شده است، جلوی در دادگاه او را دستگیر می‌کنند و در جلسه دوم او را از زندان به دادگاه می‌آورند.

پنجشنبه ۲۹ ژوئن/۸ تیر، یوسف ایاد به جایگاه آمد. او گفت: بیست سال است در آلمان هستم، سواد عربی ندارم و آلمانی هم بلد نیستم. چند سال است در اتوکشی عدنان ایاد کار می‌کنم، من یک کارگر ساده هستم و اطلاعی از کارها و معاملات شرکت ندارم. چندبار عدنان مرا برای گرفتن پول به بانک فرستاد. یکبار مقدار پول خیلی زیاد بود، فکر می‌کنم روز ۱۷ سپتامبر ۹۲ بود.

شاهد در پاسخ ویلاند، وکیل مدافع شاکلی خصوصی، که پرسید می‌داند چقدر پول بوده یا نه؟ گفت حدود ۳۰ تا ۵۰ هزار مارک بود.

جمعه سی ژوئن، رئیس دادگاه موافقت هیئت قضات با تقاضای اریک وکیل شاکلی خصوصی، برای احضار رئیس سابق سازمان امنیت برلین به دادگاه، را اعلام کرد. همچنین در این جلسه اعلام شد که تقاضای آقایان یشکه و شیلی، وکلای شاکلیان خصوصی، برای دعوت از وزیر کشور فعلی، وزیر کشور سابق و وزیر همکاریها و توسعه اقتصادی آلمان، رد شده است زیرا دولت آلمان اجازه شهادت لازم به آنها نخواهد داد.

در پایان این جلسه یوسف امین از دادگاه خواست کارش را تسریع کند و از آوردن شهودی که شهادتشان مستقیماً مربوط به واقعه میکونوس